

باسمه تعالی

- ۱..... وظیفه مجنب متیمم محدث به حدث اصغر
- ۲..... اقوال در مسئله و استدلال مشهور
- ۲..... بررسی کلام مشهور در دو مقام
- ۲..... مقام اول: مبیح بودن یا رافع بودن تیمم
- ۴..... کلام محقق خویی
- ۴..... مناقشه در کلام محقق خویی
- ۵..... مختار استاد: اطلاق روایات تنزیل
- ۶..... مقام دوم: بررسی ملازمه بین مبیح بودن تیمم و لزوم تکرار آن
- ۶..... فرمایش محقق خویی
- ۶..... بررسی روایات و مدعی محقق خویی
- ۶..... دسته ی اول: روایات مطلقه
- ۷..... دسته ی دوم: روایات بیانگر بقای تیمم تا هنگام حدوث حدث
- ۷..... دسته ی سوم: روایات بیانگر وجوب تیمم برای هر نماز

موضوع: وظیفه مجنب متیمم محدث به حدث اصغر / احکام تیمم / تیمم

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در این بود که اگر حدث اصغر از جنب متیمم صادر شد باید تیممش را تکرار کند یا خیر؟! عرض شد که این بحث یکی از مسائل مهم و مورد ابتلاء است. ابتداء در جنب بحث می کنیم و بعد به حائض می رسیم

بسم الله الرحمن الرحيم

وظیفه مجنب متیمم محدث به حدث اصغر

بحث در این بود که اگر حدث اصغر از جنب متیمم صادر شد باید تیممش را تکرار کند یا خیر؟! عرض شد که این بحث یکی از مسائل مهم و مورد ابتلاء است. ابتداء در جنب بحث می کنیم و بعد به حائض می رسیم. در حائض هم بنابر قول به عدم اغناء اگر محدث به حدث اکبر شد، باید دو تیمم به جا آورد. فعلا بحث ما در جنب است.

اقوال در مسئله و استدلال مشهور

در بحث جنب مشهور قائل به اعاده ی تیمم بودند و چون تیمم بدل از غسل در جنب، بالاتفاق و بالنص مجزی از وضو است، دیگر اگر آب هم برای وضو داشته باشد، وضو واجب نیست. عمده استدلال مشهور همانطور که محقق همدانی فرمودند^۱ این است که تیمم مبیح برای نماز است و رافع حدّ و جنابت نیست. وقتی حدّ اصغر حاصل شد بالاتفاق اباحه تمام شده است لذا تیمم بر او واجب است. این عمده استدلال مشهور است.

بررسی کلام مشهور در دو مقام

کلام مشهور را در دو مقام بررسی می کنیم:

مقام اول: مبیح بودن یا رافع بودن تیمم

مقام اول در مورد این مطلب است که تیمم مبیح است یا رافع است. مقام دوم اینکه بر فرض اینکه مبیح باشد چه ملازمه ای با تکرار تیمم دارد؟

اما مقام اول که در مبیح بودن تیمم است؛ بدون شک در کلمات گذشتگان این جمله آمده است که «اجمع العلماء علی ان التیمم مبیح لا رافع». محقق خویی این مبیح بودن را توجیه کرده است و فرموده است که ظاهر این جمله خلاف نصوص است. اینکه تیمم هیچ رفعی نیاورد و هیچ طهارتی نیاورد خلاف آیه ی قرآن و روایات است. نمی شود اجماع بر خلاف آیه و روایت داشته باشیم؛ بنابراین قطعاً مراد آن ها چیز دیگری است؛ در نظر محقق خویی مراد آن ها از مبیح بودن تیمم این است که جنابت را رفع نمی کند، لکن حدّ را از بین می برد. لارافع یعنی جنابت را برطرف نمی کند. نتیجه این می شود که جنبی که تیمم کرده است به حکم روایات متطهر است، لکن جنابت او برطرف نشده است. جنب بر دو قسم است: جنبی که متطهر است و جنبی که غیر متطهر است. ایشان شواهدی را نیز بر این مراد ارائه می دهند که خواهیم رسید^۲.

این توجیه ایشان به نظر ما محل اشکال است. اینکه علماء فرموده باشند مبیح بودن تیمم یعنی طهارت می آورد و رافع جنابت نیست، درست نیست. به نظر ما ظاهر کلمات علماء این است که فقط جواز می آورد و تیمم نمی آورد. حدّ را از بین نمی

۱ مصباح الفقیه، رضا همدانی، ج ۶، ص ۳۷۶.

۲ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

برد. ظاهر کلمات فقهاء این است. صاحب جواهر و محقق همدانی نیز همین مطلب را ارائه می دهند^۱. محقق نایینی نیز در اصول ادعا کرده اند که تیمم مبیح است و حدث را برطرف نمی کنند. بنابراین به نظر ما مراد مشهور همان مراد ظاهر کلامشان است که تیمم را رافع حدث نمی دانند. در مقابل غسل و وضو که طهارت است، تیمم را طهارت نمی دانند.

مشکل محقق خویی این بود که علماء این همه روایات را چه کرده اند؟

ما می گوئیم دو احتمال وجود دارد: احتمال اول این است که در ذهن علماء این بوده است که این آیه و روایات که تراب را طهارت قرار داده اند مراد این است که تیمم به منزله ی طهارت است. کما اینکه در برخی روایات نیز داریم که به منزله ی غسل است و آثار آن را دارد که یکی از آثار آن جواز ورود در نماز است. از اینکه در آیه گفته شده است غسل کنید و اگر نتوانستید تیمم کنید، معلوم می شود تیمم در مقابل آن غسل است؛ یعنی خداوند نمی خواهد شما را به زحمت بیندازد؛ حال که طهارت نمی توانید داشته باشید همان تیمم کنید که آثار غسل را دارد. بنابراین علماء یا مرادشان این است که تیمم به منزله ی غسل است؛ یا احتمال دوم مراد است. احتمال دوم این است که بگوئیم مشهور قائلند به این که تراب طهارت می آورد، همانطور که در روایات احد الطهورین نام برده شده است^۲. این توجیه قریب به ذهن است. لکن ممکن است و بلکه قریب به ذهن این است که فقهای تیمم را مبیح دانسته اند و رافع حدث ندانسته اند، مرادشان این است که حدث جنابت را نمی برد، حدث به جای خود باقی است. این مانند غسل و وضو نیست که حدث را ببرد لکن طهارت نیز هست؛ مرتبه ای ضعیف از طهارت است. همانطور که وضوی جنب برای خوردن مرتبه ای از طهارت است و با حدث جنابت جمع شده است تیمم نیز چنین است. بنابراین شخص هم جنب و محدث به حدث اکبر است و هم طهارت ضعیفه را دارد. مرتبه ای از طهارت را می آورد.

در ذهن ما این است که مشهور فرقی بین حدث و جنابت نمی گذارند. محقق خویی قائل است که حدث می رود؛ زیرا تیمم طهور است لکن جنابت می ماند. ما می گوئیم مشهور فرقی بین جنابت و حدث نمی گذارند لذا می گویند حدث باقی است؛ لکن در عین حال طهارت بودن تیمم را نیز نفی نمی کنند و مرتبه ای از طهارت برای آن قائل هستند. مانند جنبی که وضو می گیرد برای خوردن، دارای طهارت است. این مثال ها خود شاهی است بر اینکه می توان یک عملی را طهارت دانست و در عین حال شخص جنب نیز باشد. طهارت خود دارای مراتب است برخی از مراتبش مجوز ورود در نماز نیست و برخی از

۱ مصباح الفقیه، رضا همدانی، ج ۶، ص ۳۷۶.

۲ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۶۴.

مراتب آن مجوز است. اما اینکه آثار غسل و وضو را تماماً داشته باشد یا خیر، تابع استظهار از ادله است. خیلی ها استظهار کرده اند که اگر مکلف در ضیق وقت تیمم کند نمی تواند مسّ قرآن کند و فقط مجوز ورود در نماز است. بنابراین محدوده ی مجوز بودن و تابع بودن از غسل و وضو در آثار، مبتنی بر استظهار از ادله است. در حق جنب قدر متیقن و مسلم یکی از آثارش جواز ورود در نماز است. بنابراین در اینکه مشهور چه می گویند به نظر ما مشهور می گویند که حدّث و جنابت یک چیز هستند و در حال تیمم باقی هستند لکن تیمم مبیح است به این معنایی که ذکر شد.

کلام محقق خویی

محقق خویی ادعا می کند که تیمم حدّث را می برد ولی جنابت باقی است. ایشان می گوید جنابت یک امر اعتباری است؛ ممکن است شارع مقدس ارتفاع جنابت را به صورت موقت اعتبار کند؛ لذا اینکه برخی ادعا کرده اند که تیمم نمی تواند رافع جنابت باشد صحیح نیست. اعتبار رافعیت برای جنابت ممکن است و هیچ تالی فاسدی ندارد که شارع تیمم را رافع جنابت هم قرار داده باشد، همانطور که رافع طهارت قرار داده است. لکن ایشان ادعا کرده است که از روایات استظهار می کنیم که جنب متیمم، جنب است و تیمم، جنابت را از بین نمی برد. در روایات خواندیم که «يَتِيمُ الْجَنْبِ وَيُصَلِّي»^۱. یا در برخی روایات دیگر می گفت که جنب تیمم کرده است و امام جماعت هم واقع شده است:

« عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ أَمْ قَوْمًا وَهُوَ جَنْبٌ وَقَدْ تَيَمَّمَ وَهُمْ عَلَى طَهْوٍ فَقَالَ لَا بَأْسَ^۲ ».

مناقشه در کلام محقق خویی

ما در دهنمان این است که این استدلالات ناتمام است همانطور که محقق همدانی فرموده است. ما می گوییم این روایات که می گوید یتیمم الجنب، مراد از جنب جنب ابتدایی است و ایشان هم به این فقره تمسک نمی کند و بحثی نداریم. ایشان به فقره ی دوم استشهاد می کند که «یصلی جنب». ما حرفمان این است که با اینکه ضمیر بر گردد به جنب، لکن اولاً خیلی از این ها در سوال سائل است، ثانیاً: خود امام فرمودند که «يَتِيمُ الْجَنْبِ وَيُصَلِّي»^۳. ضمیر به جنب بر می گردد ولی ممکن است که مراد

۱ من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲ استبصار، شيخ طوسی، ج ۱، ص ۴۲۵.

۳ من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج ۱، ص ۱۰۹.

امام، جنب قبل از تیمم باشد. نه اینکه بتوان برداشت کرد که اکنون هم بعد از تیمم او جنب باشد. ایشان می گوید که یصلی به جنب متلبس بالفعل بر می گردد ولی به نظر ما این کلام تمام نیست و استظهار اینکه این متیمم جنب بالفعل باشد ناتمام است. لذا اینکه ایشان فرمودند: از روایات استفاده می شود که متیمم جنب است، کلام صحیحی نیست و این استظهار ناتمام است. مضافاً بر اینکه این ادعا خلاف ارتکاز است. خلاف ارتکاز ماست اینکه بیاییم جنب را با محدث تفکیک کنیم. اینکه بگوییم حدث یک چیز است و جنابت یک چیز است بعد بگوییم که با اینکه تیمم کرد حدّش می رود ولی جنابتش می ماند، این خلاف ارتکاز است. بنابراین ما اولاً می گوییم خلاف ارتکاز است؛ ثانیاً وقتی ما آن استظهار را قبول نکردیم، همانطور که محقق حکیم فرمودند و صاحب جواهر هم کلمات محقق خویی را به صورت مندمج دارد، قائلیم که استظهار ما از روایات تنزیل این است که تیمم جنابت را از بین می برد. روایات می گوید که «تراب به منزله ی ماء»^۱ است و ظاهر تنزیل این است که همانطور که آب حدث و جنابت را از بین می برد، خاک نیز به منزله ی آب است و آن را از بین می برد. ما در مواجهه با این روایات، یا باید بگوییم که در جواز دخول در نماز به منزله ی آب است یا اینکه بگوییم که به صورت موقتی جنابت را برده است. اما اینکه مانند محقق خویی بگوییم که جنابت را نمی برد و حدث را می برد، عرفی نیست؛ تنزیل یا به لحاظ احکام است یا اینکه اطلاق دارد. بعید است که بگوییم فقط در رفع حدث به منزله ی آب باشد. بنابراین ما به نظرمان می رسد که روایات تنزیل اطلاق دارد.

مختار استاد: اطلاق روایات تنزیل

بنابراین ما در مقام اول کلام مشهور را تصدیق نمی کنیم، ظاهر اطلاقات تنزیل و ظاهر روایت «يَكْفِيكَ الصَّعِيدُ عَشْرَ سَنِينَ»^۲ در مقام بیان این است که خاک با آب هیچ تفاوتی ندارند و نباید نگران بود. بنابراین بعید است که بگویند که حدث را نمی برد. ما می گوییم ظاهر روایات بدلیت و تنزیل این است که تیمم به صورت مطلق حتی در ملاک، به منزله ی آب است؛ یعنی نماز متیمم همان قدری ملاک دارد که غسل می کند. گفتنی نیست که بگوییم ملاک آن کمتر است. بنابراین در مقام اول مقتضای روایات باب تراب را این می دانیم که تراب در همه ی جهات به منزله ی آب است. هم در مسئله ی حدث و جنابت و هم در مسئله ی ملاک؛ بنابراین اینکه محقق حکیم ملاک آن را کمتر می دانند بعید است و عرفی نیست.

^۱ استبصار، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۶۳.

^۲ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۰۸.

حاصل اینکه دو ادعا در مورد مبیح بودن تیمم گفتیم: مشهور می گویند مبیح، لارافع و توجیه محقق خویی را قبول نکردیم. ثانیاً حرف مشهور خلاف ظاهر ادله است. ظاهر روایات تنزیل این است که شریعت آمده گفته نماز بخوانید و شرطش طهارت است؛ اگر می توانید با آب و اگر نمی توانید با خاک. «رب الماء رب التراب».

مقام دوم: بررسی ملازمه بین مبیح بودن تیمم و لزوم تکرار آن

مقام ثانی این است که مشهور تیمم را مبیح دانستند لذا با حدث اصغر اباحه می رود و باید تیمم کند. محقق خویی دیده است که این مقدار از این حرف نتیجه نمی دهد؛ اینکه بگوییم تیمم مبیح است و حال که حدث اصغر آمد، اباحه اش رفت و باید تکرار کند، این نتیجه گیری درست نیست. تیمم از ناحیه ی حدث اکبر مبیح است. درست است که بعد از حدث اباحه رفته است لکن این اباحه که رفته است از ناحیه ی حدث اصغر رفته است؛ لذا باید دوباره وضو بگیرد.

فرمایش محقق خویی

به ذهن می رسد که محقق خویی این استدلال را تکمیل کرده و فرموده است که جنابت شخص باقی است و روایت داریم که جنب باید تیمم کند؛ ایشان می گوید این روایات اطلاق دارد.

بررسی روایات و مدعای محقق خویی

سه نوع روایت در باب داریم: یک نوعش در اینجا آمده است و دو نوع دیگر را در غیر جنب آورده است. نمی دانیم چه شده است که همه را اینجا نیاورده است. سه نوع روایت مقتضایش این است که باید شخص تیمم را تکرار کند:

دسته ی اول: روایات مطلقه

مقتضای اطلاق روایات این بود که شخص باید بعد از حدث اصغر تیمم را تکرار کند. مکلف در بحث ما نیز مصداقی از این روایات واقع می شود. جنب است و باید تیمم کند. اگر حدث اصغر صادر نشده بود دلیل داریم که تکرار تیمم لازم نیست، زیرا روایاتی دال بر عدم لزوم تکرار تیمم متیمم هستند. ایشان فرموده است یک دسته مطلقاتی داریم که دال بر وجوب تکرار تیمم بر جنب هستند.

۱ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۰۸.

اشکال ما این است که «الجنب یتیمم»^۱ اطلاق ندارد بلکه جنبی را می گوید که تیمم نکرده است. جنب باید تیمم کند نه اینکه هر آن از زمان، باید تیمم کند. ظاهر «الجنب یتیمم»^۲ این است که برای رفع جنابتش تیمم کند. لذا نسبت به کسی که قبلاً تیمم کرده است اطلاق ندارد.

دسته ی دوم: روایات بیانگر بقای تیمم تا هنگام حدوث حدیث

دسته ی دوم از روایات، روایاتی است که از دسته ی قبلی اخص است؛ این روایات بیانگر بقای تیمم متیمم است تا وقتی که حدیثی حاصل نشده یا آبی پیدا نکرده باشد. «مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع....فَيُصَلِّي بِتَيْمَمٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ كُلِّهَا قَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يُصَبِّ مَاءً»^۳

محقق خویی فرموده است که این روایت بر مقام صدق می کند که متیمم جنب است. مالم یحدث اطلاق دارد که حدیث اکبر باشد یا اصغر باشد. ایشان به اطلاق قید تمسک کرده است. این شخص متیمم بود و فرض این است که حدیث از او صادر شده است، پس با آن تیمم نمی تواند نماز بخواند. جواب ما همانطور که محقق همدانی فرموده است این است که مراد از «مَا لَمْ يُحْدِثْ» هر حدیث مناسب آن حدیث سابق است. اگر متیمم جنب است مالم یحدث، یعنی مادامی که دوباره جنب نشده است؛ لذا این روایت از لحاظ حدیث اطلاق ندارد. مناسبت حکم و موضوع این را اقتضاء می کند که حدیثی که آن تیمم را از بین ببرد، مراد است. لذا نمی توان گفت که متیمم جنب یصلی مالم یحدث به حدیث اصغر؛ این برداشت غلط است.

دسته ی سوم: روایات بیانگر وجوب تیمم برای هر نماز

ثالثاً ایشان به روایت ذیل تمسک می کند:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي هَمَّامٍ عَنِ الرُّضَاعِ قَالَ: يُتَيْمَمُ لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يُوجَدَ الْمَاءُ»^۴.

محقق خویی می فرماید: این روایت صحیح است که حکم به تیمم نسبت به هر نمازی می کند. اگر ما بودیم و این روایت می گفتیم که این شخص باید برای نمازی تیمم کند، مانند مستحاضه ی قلیله؛ لکن ما دلیل داریم که برای هر نمازی یک تیمم لازم

۱ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۲۰۴.

۲ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۲۰۴.

۳ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۶۳.

۴ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۰۱.

نیست. بنابراین به وسیله ی مخصص از این روایت رفع ید می کنیم؛ مخصص ما شخصی است که تیمم کرده باشد و هیچ حدّی از او سر نزده باشد. به حکم روایات به مضمون روایت ذیل:

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ لَا يَجِدُ الْمَاءَ أَوْ يَتَيَمَّمُ لِكُلِّ صَلَاةٍ فَقَالَ لَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمَاءِ»^۱

با توجه به این روایات، روایت يَتَيَمَّمُ لِكُلِّ صَلَاةٍ را تخصیص می زنیم به متیممی که هیچ حدّی از او سر نزده باشد، بنابراین متیمم محدث به حدّ اکبر که معلوم است داخل در این روایت است، شک ما در متیمم محدث به حدّ اصغر است که مشمول حکم این روایت می شود یا خیر؟ عموم این روایت شامل متیمم محدث به حدّ اصغر نیز می شود. بنابراین متیمم که محدث به حدّ اصغر است باید تیمم خود را تکرار کند. به حکم عموم این روایت که مخصصی از این جهت بر آن وارد نشده است. در جلسه ی آینده به بررسی این دلیل نیز می پردازیم.

۱ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۰۰.